

## سوکارنو ... یا سوهارتو ؟ ...

تحولات اخیر کشور اندونزی که مسلماً در آینده نیز يك سلسله تغییرات دیگری در پی خواهد داشت ما را بر آن داشت تا در پیرامون اوضاع سیاسی و همچنین سر نوشت شخصی که با مهارت و چیرگی خاصی از احساسات بی شائبه مردم استفاده کرده و به عبث خود را تنها رهبر بیامنازع آن کشور میدانند باخوانندگان گرامی «مجله مسائل ایران» صحبتی کرده باشیم.

متجاوز از یکسال است که آشکارو نهان ، وقایع گوناگونی از توطئه‌های کودتا گرفته تا نبردهای خیا بانی و خونریزیهای داخلی در گوشه جنوب خاوری آسیا یعنی اندونزی رخ میدهد .

از مجموع فعل و انفعالاتی که از مهر ماه گذشته یعنی از تاریخ وقوع کودتای شوم و بدفرجام کمونیستها که بدنبال آن جنازه شش تن ژنرال اندونزی در پیغولهای پیدا شد . و گفته شد که عامل اصلی قتل آنها کودتاجیان بوده‌اند تاکنون ملت اندونزی و بناوین مختلفه قربانیهای زیادی داده و هنوز هم تحت تأثیر خرابکاریهای عوامل خارجی و عناصر مخرب داخلی آنها از مرحله التهاب توان فرسای خود خارج نشده و این ماجرای غم‌انگیز پایان‌نپذیرفته است .

در این مدت همه جا صحبت از استعفا و محاکمه سوکارنو و کوتاه کردن دست وی از دخالت در امور مملکتی و سیاست داخلی اندونزی است . هر روز خبرهای جدیدی در همین زمینه و در مورد کاهش قدرت سوکارنو و تفویض اختیارات اجرائی وی به ژنرال سوهارتو به گوش جهانیان میرسد .

سوکارنو که با اتخاذ روش مماشات در برابر احزاب افراطی و انجام يك سلسله اقدامات سیاسی خود در سالهای اخیر موجبات پیشرفت و توسعه نفوذ مادی و معنوی قدرتهای مخرب را در کشور فراهم ساخته و بانحاء مختلف در متشکل کردن و سازمان دادن تشکیلات سیاسی و نفوذ و دخالت های مستقیم و غیر مستقیم آنها دست داشته است با دست زدن باین قمار سیاسی نه تنها لطمات

جبران ناپذیری به حیثیت و موقعیت سیاسی و اقتصادی کشور اندونزی در جهان وارد ساخته و ثبات و آرامش مردم صلح طلب و نجیب اندونزی را دستخوش نایسامانی ها و هیجانات کرده بلکه بدبنوسیله و بالجاجت خاص خود کشور را تا لب پرتگاه جنگهای داخلی و باصطلاح پارتیزانی کشانیده است .

تردیدى نیست که تحریکات سیاسی و اغتشاشات اخیر کشور آرام اندونزی نیز محصول مستقیم خودخواهی ها و لجاجت های مردی است که هنوز هم معتقد است در مقام رهبر انقلاب کشور اندونزی و قهرمانی که مردم را از قید استعمار هلند نجات داده میتواند انجام وظیفه نماید .

خروج اندونزی از سازمان ملل ، ادعاهای ارضی نسبت به کشورمالزی ایجاد تحریکات عمومی و صرف هزینه های هنگفت در این زمینه ، اغتشاشات سازمان جبهه طرفدار سوکارنو وابسته به حزب ملی اندونزی ، ایجاد کودتای نافرجام کمونیستی ، رابطه سرهنک لون تونگ فرمانده گارد شخصی سوکارنو با سران کودتا . دست داشتن در ربودن و قتل فرمانده کل قوای سابق اندونزی اعتراضات سو باندریو در جلسه دادگاه مبنی بر مسلح شدن کارگران و دهقانان اندونزی با سلاحهای چینی ملاقات مکرر آیدین رهبر حزب کمونیست اندونزی با سوکارنو و دخالت حزب مذکور در سیاست دولت آن کشور ، ایجاد امکانات در رشد فعالیت عناصر مخرب ، کناره گیری اندونزی از شوروی و یوگوسلاوی و نزدیکی این کشور با چین کمونیست ، مسافرت سو باندریو به چین و ملاقات وی با چوئن لای ، مداخله افراد گارد محافظ دکتر سوکارنو در کودتای اکتبر ۱۹۶۵ همه و همه ناشی از اتخاذ همین روش سیاسی خاصی است که سوکارنو برای سرکوبی و نابودی رقبای سیاسی خود از آن استفاده می نموده و متأثر از آن بوده است .

هریک از محاکماتی که از یکسال پیش باینطرف در اندونزی صورت گرفته ، هر مسئله سیاسی سروصداداری که بوقوع پیوسته مثبت این مدعا بوده و بنحوی از انحاء از اعتبار و پرستیژ سوکارنو کاسته و دخالت یا آگاهی وی را در کودتای بی فرجام نشان میداده است .

میهن پرستان اندونزی که بیش از این تحمل این ناملازمات سیاسی را نداشته و نمیتوانستند بصورت ناظر بیطرف باقی بمانند درصدد برآمدند تا وی را از اتخاذ چنین خط مشی سیاسی برحذر داشته و بیش از این نگذارند کشور به ورطه نابودی سوق داده شود و بهمین منظور راههای مختلفی برای پایان دادن به اوضاع متشنج اندونزی پیشنهاد کردند و بخصوص پس از کودتای نافرجام کمونیستها جهت تعدیل رفتار سوکارنو اقدامات مجدانه ای بعمل آوردند ولی

دکتر سوکارنو نه تنها تغییری در روش سیاسی خویش بعمل نیاورد بلکه حتی بنا برخواست مردم حاضر نشد لاقلاً در باره طرز تفکر و میزان اطلاع خود چه قبل از کودتا و چه بعد از آن اطلاعاتی در اختیار ملت اندونزی قرار بدهد و این امر موجبات نگرانی محافل سیاسی اندونزی را فراهم ساخته و موجب شد تا سیل اعتراضات و تظاهرات بطرف سوکارنو روان گردد.

سوکارنو مردی که بقول خودش متجاوز از بیست سال مورد پرستش یکصد میلیون تن مردم اندونزی بوده و به لقب «قهرمان ملی» و «پدر انقلاب» مفتخر گردیده است در آنچنان وضع سخت و ناگواری قرار گرفته که هر آن ممکن است شالوده کاخ این «قهرمان ملی» و «پدر انقلاب» در هم کوبیده شده و با خاک یکسان گردد.

تظاهرات خسونت آمیز اعضاء دوسازمان «کامی» و «کاپی» یعنی «جبهه اقدام دبیرستانها» و «جبهه اقدام دانشجویان دانشگاهها» با توجه به روحیه عصیان پذیری آنان چنان شدید و خشم آلود است که نیروهای انتظامی و تأمینی جاکارتا مجبور شدند تدابیری لازم جهت حفظ جان و مقر سکونت دکتر سوکارنو اتخاذ نمایند.

این تظاهرات وقتی به اوج شدت خود رسید که سوکارنو بمناسبت روز سالگرد استقلال اندونزی نطقی ایراد کرد و در این نطق فقط به تصمیم اندونزی در مورد مبارزه با استثمار و استثمار نوین اشاره کرده نامی از مبارزه با استثمار کمونیسم نبرده و از کودتای گذشته هم یاد نکرده بود، دانشجویان عضو سازمان ضد کمونیستی «کاپی» در این مورد توضیحات لازم را از سخنرانی دکتر سوکارنو خواستار بوده و سؤال میکردند که سوکارنو در باره کودتا چه اندازه اطلاع داشته است.

محافل سیاسی و مقامات دولتی اندونزی نیز مصراً خواستار برکناری و محاکمه سوکارنو هستند.

حزب دست راستی «مسجومی» که چند سال پیش بدست سوکارنو منحل شده بود هم اکنون دست بفعالیت شدیدی زده و اگر چنانچه رهبران آن به پارلمان آینده اندونزی راه یابند مسلماً دشمنان سرسختی برای سوکارنو خواهند بود.

دوستان و یاران پیشین سوکارنو مانند دکتر سوپاندریو، عمردانی و جوزف مورا دالام همه محکوم بمرگ شده و در زندان منتظر سرنوشت آینده خویش می باشند.

عمردانی فرمانده پیشین نیروی هوایی اندونزی بنا به اعتراف خود در

دادگاه و همچنین اظهاراتی که سه یار نزدیک سوکارنو در محاکمات خود اظهار داشتند سلسله مسائل سیاسی جدیدی مطرح گردید تا باستاناد آن مردم اندونزی مصراً بخواهند که :

**اولا :** سوکارنو روابط مشکوک خود را با رهبران و گردانندگان کودتای بدفوجام کمونیستی توضیح دهد .

**ثانیا :** سوکارنو در پایگاه هوائی حلیم «قتلگاه ژنرالها» حاضر شده و توضیحات لازم بدهد .

موضوع تحقیق در پیرامون نقش سوکارنو در کودتای کمونیستها و همچنین بررسی این مسئله که آیا دکتور سوکارنو پس از آگاهی از جریان کودتا اقداماتی برای متوقف کردن و یا خاموش نمودن آن بعمل آورده است یا نه یکی از جدی ترین درخواستهای مردم اندونزی است و بهمین جهت همه اورامتم میکنند که وی در کودتا دست داشته و با رهبران درجه اول کودتا مثل ژنرال سوپارچو و غیره در تماس بوده است .

ژنرال سوهارتو مرد مقتدری که کنگره خلق اندونزی با اتفاق آرا وی را بمنظور نجات کشور از سقوط حتمی و سروسامان دادن بوضع اقتصاد از هم گسسته اندونزی بمقام کفالت ریاست جمهوری ارتقاء داده و اختیارات وسیعی بوی تفویض نموده است نقشه های وسیعی جهت حفظ آرامش و آسایش عمومی و ایجاد توازن و تعادل بین دستجات مختلف سیاسی و برقراری نظم نوین و بالاخره خلع دکتور سوکارنو بدون اینکه حق شرکت مجدد در انتخابات را داشته باشد طرح میکند . رهبران دانشجویان و مقامات نظامی و حتی غیر نظامی نیز بااطمینان کامل از این نقشه ها پشتیبانی کرده و معتقدند که زمان آن رسیده است تا نظام جدیدی قائم مقام و جانشین نظام فرسوده و کهن سوکارنو گردد .

اما همه این جریانات تا تشکیل کنگره خلق اندونزی نمیتوانست نقش قاطعی در سر نوشت آینده سوکارنو داشته باشد بهمین جهت رئیس کنگره اندونزی در پایان دومین جلسه رهبران پارلمانی که مخصوصاً بمنظور اخذ تصمیم درباره چگونگی وضعیت رئیس جمهوری که سالیان دراز رهبری ملتی را بعهده داشت و هم اکنون نیز با تمام تلاشها و فشارها دست از رهبری خود نکشیده است بوجود آمده بود اظهار داشت که کنگره آینده تکلیف دکتور سوکارنو را روشن خواهد کرد که آیا او باید از کار برکنار شده و تحت تعقیب قرار گیرد یا همچنان براریکه قدرت باقی بماند ؟

پارلمان اندونزی نیز بلافاصله با اتفاق آراء قطعنامه ای تصویب و قرار شد که این قطعنامه تسلیم ژنرال عبدالهریس ناسوتیون رئیس کنگره خلق

اندونزی گردد.

در این قطعنامه از کنگره خواستار شده است که :

- ۱- جلسه فوق‌العاده تشکیل تادرباره قطعنامه تصمصم گرفته شود.
  - ۲- سوکارنو از مقامات خود برکنار و در يك دادگاه صلاحیتدار محاکمه شود.
  - ۳- کنگره تا اخذ تصمیمات نهائی يك رئیس جمهور موقت تعیین کند.
  - ۴- ژنرال سوهارتو اطلاعات مربوط به دخالت سوکارنو در کودتای سال پیش کمونیستها در اختیار کنگره قرار دهد.
- ژنرال سوهارتو که خود از بوجود آورندگان این قطعنامه میباشد از تشکیل جلسه فوق‌العاده کنگره مشورتی مردم اندونزی که هدف اصلی و اساسی آن سلب قدرت و برکناری سوکارنو است جانبداری کرده و میکند و با تمام امکاناتی که دارد میکوشد تا کنگره تشکیل و تصمصم نهائی اتخاذ گردد روزنامه «کومپاس» در اندونزی می‌نویسد که :
- کنگره آینده درباره دکتر سوکارنو میتواند یکی از سه تصمصم زیر را اتخاذ کند .

- ۱- یا بدون انجام تحقیقات سوکارنو را از کار برکنار کند .
  - ۲- یا کنگره پس از برکناری وی او را جهت محاکمه بدادگاه اعزام بدارد .
  - ۳- یا دکتر سوکارنو بدون اینکه منتظر تشکیل کنگره باشد خاک اندونزی را ترك کرده در اینصورت دادگاه غیاباً او را محاکمه خواهد کرد.
- در هر حال تعیین دادگاه صلاحیتدار برای محاکمه دکتر سوکارنو بعهده کنگره واگذار میگردد.
- روزنامه آرنشی «دیپلومی» می‌نویسد که :
- ژنرال «ناسوتیون» رئیس کنگره اندونزی مدارکی که نقش سوکارنو را در کودتای کمونیستی نافرجام اکتبر سال ۱۹۶۵ روشن سازد.
- تسلیم يك دادگاه نظامی میکنند و این مدارك در روز محاکمه علیه سوکارنو ارائه خواهد شد.

این احساسات علیه سوکارنو بجدی شدید است که ممکن است کنگره خلق یعنی تنها عامل تعیین کننده خط مشی هیئت حاکمه کنونی بسریاست ژنرال ناسوتیون بطور فوق‌العاده تشکیل شده و در جلسات خود بتوضیحات دکتر سوکارنو گوش داده و تصمیمات مقتضی اتخاذ نماید.

صفوف مخالفین سوکارنو اعم از نظامیان و غیر نظامیان نیز بایبصری منتظر تشکیل کنگره بودند تا اگر چنانچه کنگره دلایل کافی دال بر مجرمیت

سوکارنو داشته باشد آنوقت است که بزنگی سیاسی دکتر سوکارنو پایان داده شود و برای همیشه طومار کودتای اکتبر ۱۹۶۵ نیز بسته شود.

بالاخره این انتظار به پایان رسید و کنگره مشورتی خلق اندونزی جلسه عمومی خود را برای رسیدگی بوضع دکتر سوکارنو تشکیل داد. سران حاکم نظامی که مدتها برای برکناری و عزل دکتر سوکارنو نقشه‌ها طرح میکردند همه نیروهای خود را بکار بردند تا از طریق کنگره بتوانند برای همیشه سوکارنو را از صحنه مبارزات سیاسی اندونزی دور بدارند اما جریانات سیاسی داخلی و تحریکات عوامل مختلف خارجی بقدری بود که گرچه سوکارنو کلیه اختیارات اجرائی خود را طی بیانه‌ای به سوهارتو تفویض کرد ولی سیاستمداران عاقل اندونزی بمنظور احترام از زهرگونه برخورد های سیاسی نخواستند با عزل کامل وی موافق بوده و در این راه پافشاری نمایند.

بهمین جهت سوهارتو در ۲۳ فوریه یعنی يك روز قبل از تشکیل جلسه و تحویل گرفتن اختیارات سوکارنو در نطق خود :

گردانندگان کنگره را از اتخاذ روش شدید نسبت به سوکارنو بر حذر داشت او به اعضای نظامی کنگره توصیه کرد که جانب حزم و احتیاط را رعایت کرده و کاری نکنند که بر اثر تحریکات طرفداران سوکارنو وضع بحرانی و حوادث ناگواری در سراسر اندونزی بوجود آید و بخصوص بر روی این جمله تأکید کرد که :

«تصمیمی که درباره سوکارنو میگیرید باید امنیت و اتحاد اندونزی را نیز در نظر داشته باشید» و خلاصه بر اساس ملاحظات سیاسی در جلسه افتتاحیه کنگره صراحتاً اظهار داشت که :

بنا بر این لزومی ندارد که کنگره در مورد محاکمه دکتر سوکارنو نگران باشد زیرا دستگاه قضائی کشور بموقع در این باره تصمیم خواهد گرفت و اما در مورد ممنوعیت وی از هر گونه فعالیت های سیاسی باید بگویم که سوکارنو با تفویض اختیارات مجریه خود عملاً خود را از فعالیت های سیاسی و همچنین دخالت در دولت برکنار داشته است.

این نرزش سیاسی سوهارتو مرد مقتدری که هم اکنون نقش مؤثری در اوضاع سیاسی اندونزی دارد فقط فقط بمنظور «علاج واقعه قبل از وقوع» بوده و بدینوسیله خواسته است تا از وجود بحران شدیدی که بر فراز اندونزی سایه افکننده بود و همچنین از وقوع يك جنگ احتمالی داخلی بطرز عاقلانه‌ای جلوگیری بعمل آورد. عواملی مشابه همین جریانات باعث شد که در قطعنامه عزل سوکارنو نیز تغییرات و اصلاحات زیادی بعمل آید.

قبل از اینکه کنگره به اخذ تصمیم نهائی نایل آید به کمیته مخصوصی مأوریت داد تا نسبت بوضع دکتر سوکارنو رسیدگی و اظهارنظر نماید. کمیته پس از انتخاب ژنرال سوهارتو به کفالت ریاست جمهوری اعلام داشت که دکتر سوکارنو باید از هر گونه فعالیت سیاسی محروم و سوابق وی از نظر نقشی که در کودتای یکسال و نیم پیش داشته مورد رسیدگی و بررسی قرار گیرد. هم تصور میکردند که تصمیمات کمیته بی شك مورد تأیید و تصویب کنگره نیز قرار خواهد گرفت.

اما بیانیهای که بمناسبت مذاکرات کنگره منتشر شد صرفنظر از جنبه های ابهام آمیز و حملات ضد و نقیض آن مفهوم عبارت طوری بود که برای خواننده یقین حاصل میشد که در این مدت تعدیلی در وضع سوکارنو بوجود آمده و در بر کناری کامل وی نیز گذشته های زیادی بعمل آمده است.

بهر حال باتشکیل کنگره و جلسات مقدماتی آن و تفویض کلیه اختیارات سوکارنو بدون هیچ قید و شرطی بر اساس قطعنامه ماه مارس ۱۹۶۶ به دولت ژنرال سوهارتو به هرج و مرجها و اغتشاشات داخلی پایان داده شد و دولت و مردم سرگرم اصلاحات و ترمیم خرابی های اقتصادی گذشته میباشند و دکتر سوکارنو گرچه عنوان رئیس جمهوری را برای خود حفظ کرد ولی این عنوان فقط و فقط جنبه تشریفاتی داشته و نمیتواند نقشی در سیاست کشور داشته باشد.

با توجه به سلسله مسائلی که بحران سیاسی را در کشور اندونزی بوجود آورده و نقش مؤثری که خواه ناخواه دکتر سوکارنو رئیس جمهور وقت در این جریانات داشته بخودی خود این سؤال برای خواننده پیش می آید که: آیا واقعاً دکتر سوکارنو در کودتای بی فرجام کمونیستها دست داشته و بارهبرای کودتا در تماس بوده است؟؟ ...

آیا سوکارنو تحت تأثیر کمونیستها قرار گرفته و تمایلی بآنها نشان داده است؟؟ ...

آیا واقعاً ممکن است سوکارنو خودش کمونیست بوده و اعمال وی بمنظور رسیدن بهدف و مقصود غائی و نهائی در پرده استثمار انجام میشده ؟ ...

آیا رئیس جمهور اندونزی بقول آدام مالیک وزیر خارجه اندونزی بمردم ظلم کرده و مذهب فردپرستی را در کشور رواج داده است ؟ ...

آیا دکتر سوکارنو بقول سوهارتو قربانی «ناساکوم» شده و نتوانسته است ائتلاف ناسیونالیستها و کمونیستها و گروههای مذهبی را بوجود بیاورد ..؟

آیا دکتر سوکارنو به پنجاسیلا «Pantzasila» یعنی پنج اصل :

- ۱ - ایمان بخدا
  - ۲ - ناسیونالیزم .
  - ۳ - ملیت
  - ۴ - حکومت مردم بر مردم
  - ۵ - عدالت اجتماعی
- که سرفصل قانون اساسی هفده اوت ۱۹۴۵ اندونزی است خیانت ورزیده و آنرا اجرا نکرده است . ۹۹
- آیا او اقتصاد کشور اندونزی را با اندوختن ثروت‌های بی‌کران خود به ورشکستگی کشانیده است ؟ ۹۹
- آیا دکتر سوکارنو دیگر قادر به انجام وظیفه نیست .
- کدام يك از این سئوالات میتواند پاسخ مثبتی برای خواننده باشد .
- مسلم اینست که دکتر سوکارنو يك ناسیونالیست افراطی تمام معنی است که بقول خودش خواسته است از امکانات سیاسی و اقتصادی شرق و غرب استفاده کند و بهمین منظور دست به تحول سیاسی جدیدی در اندونزی زد که مآلاً موجبات نابودی وی را نیز فراهم کرده است .
- آنچه که امروز کشور اندونزی را دچار مصیبت و آشفتگی کرده و رهبر پیراندونزی را از اوج عزت به حضیض ذلت کشانیده است وجود کمونیست‌هاست . کمونیست‌هایی که سوکارنو بمنظور ایجاد توازن وهم آهنگی بین مذهب‌یون و ناسونالیست‌ها و اجرای نظرات سیاسی خود بآنها امکان فعالیت داد .
- اکنون ملت اندونزی در دوراهی سخت سیاسی گیر کرده و اجباراً باید یکی از این دو راه را برای نجات کشور انتخاب نمایند یا سوهارتو را حاکم بر سرنوشت کشور خویش سازند و یا سوکارنو را بکلی از صحنه سیاست اندونزی خارج سازند .